«تصلیة» حرکتی رو به سقوط

شاگرد: قبلاً در درس در «تصلیة جحیم» فرموده بودید که «تصلیة» یعنی چیزی را دارد اما الآن حس نمی‌کنند.

استاد: آن مانعی ندارد. الآن هم عرض می‌کنم. در آن نکته‌ی قشنگی هست. «تصلیه» این است که آن دارد، می‌رود. سن من خیلی پایین بود، مرحوم آقای صدوقی‌ِ بزرگ، آن حدیث را مکرر در منبرهای ماه مبارکشان می‌خواندند. حدیث قشنگی هم هست. می‌گفتند: حضرت تشریف داشتند. یک صدایی آمد. فرمودند: این صدا چه بود؟ ظاهراً جبرئیل علیه السلام عرض کرد ای رسول اللّه صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله، یک سنگی بود که از لب چاه جهنم رها شده بود، هفتاد سال طول کشید تا این سنگ به ته چاه رسید. این صدا، صدای رسیدن این سنگ به ته چاه جهنم بود. بعد در توضیحش، شاید خود جبرئیل علیه السلام بود، گفت یک کافری هفتاد سالش بود، الآن مُرد. کافر هفتاد ساله الآن مُرد.

ببینید او گویا هفتاد سال دارد پایین می‌رود. اما خودش متوجه نمی‌شود. «صَلی» است، یعنی یک عمل مستمری است که دارد به طرف پایین می‌رود اما خودش متوجه نمی‌شود. در سوره‌ی مبارکه چه مضامینی است!

> **«بسم اللّه الرحمن الرحیم، وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ، الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ، يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ، كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ، نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ، الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ، إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ»[1].**

شما که ادبیات بلد هستید، «لینبذنّ» را معنا کنید.

شاگرد: پرتابش می‌کنند.

استاد: پرتاب؟!

شاگرد: زمان حال است.

استاد: بله، «لَيُنْبَذَنَّ»، کلمه‌ای نیست که یک دفعه او را بیندازند. این یک جور تلقی است. این لام در «لَيُنْبَذَنَّ» یعنی لحظه به لحظه دارد این «نبذ» صورت می‌گیرد. «كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُ با این تأکید دارد، می‌رود.

«وَمَا أَدْرَيكَ مَا الْحُطَمَةُ، نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ، الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ، إِنَّهَا عَلَيْهِم مُؤْصَدَةٌ، فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ» در یک عمد ممد است. «عَمَد» یا «عُمُد»، دو قرائت دارد.

بنابراین «تصلیه» این است. قبل از آن دارد: « إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» [2] شما آن را معنا کنید. اگر بخواهید مجازگویی کنید و بگویید الآن اعمال خوب انجام داده و بعداً می‌آید، یک حرفی است. اما این جمله‌ی عربی، این را نمی‌گوید. مخصوصاً در بالای آیه‌ی شریفه که می‌فرماید: «وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ، يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ» [3] با اینکه الآن «لفی جحیم» هستند، اما «یصلونها یوم الدین». این بود که شما فرمودید. یعنی چه «لفی جحیم»، اما «یصلونها یوم الدین»؟ بعد خود آیه توضیح می‌دهد: «وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ»؛ یعنی آنچه که خداوند و ملائکه می‌بینند، «أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ» [4]، «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» [5]؛ دیگر نمی‌تواند فرار کند. اما پس چرا «لفی جحیم» را احساس نمی‌کند؟ چون هنوز «صلی» نشده است. «صلی» این است که عبور پیدا می‌کند و تا وقتی می‌رود که به استقرار رسید و برایش «فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» [6] شد، آن وقت تازه بر می‌گردد و می‌بیند این مسیر، مسیر سقوطی بود که با کفر و نفاق برای خودش تحصیل کرده بود.

شاگرد: اگر «یصلونها» استمرار در حرکت باشد، با این بیان شما چطور جمع می‌شود؟

استاد: آیه می‌فرماید: «يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ» قرار شد «صلی» این باشد که همینطور دارد، می‌رود الآن ادراک نمی‌کند که چطور دارد می‌رود. روزی که «یوم الدین» است، روز احاطه بر این حرکت استمراری رو به سقوط است، روز «یوم الدین» در یک مشهدی قرار می‌گیرد که آن «صلی» استمراری که در حینش توجه نمی کرد، حال مشرف می‌شود و می‌بیند. با «صلی علی النار» هم خیلی مناسب است. در ذهن من الآن توافق تام دارد. «صَلی علی النار» چیست؟ «أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ» [7] یک تعبیر است، یا «یلقون فی النار». القاء یعنی بیندازد. اما «صلی علی النار»، عرض علی النار است. نه القاء فی النار. عرض علی النار این است که او را از روی آتش عبور می‌دهند. از آتش عبور دادن غیر از انداختن در آتش است. معنای ظریف «صلی» این است. می‌گوید در مسیری بود و روی آتش می‌رفت، به طرف سقوط عرضه شد.

من طلبه هستم، محضر شما بی ادبی می‌کنم. حاج آقا [مرحوم آیت اللّه بهجت] خیلی کلمات را تکرار می‌کردند. کسانی که محضرشان بودند، روضه بود، درس بود، می‌شنیدند. این اندازه‌ای که ما بودیم، گاهی کلمات را اندازه‌ای که ما بودیم تنها یک بار شنیدیم. اینها خودش کلماتی هستند که تنها یک بار شنیدیم. اینها در ذهن من دسته‌بندی شده است. بعضی‌ها هست که می‌گویم صدبار گفته‌اند، پنجاه بار گفته‌اند. بعضی‌ها را تنها یک بار شنیده‌ام. از کلماتی که یک بار شنیده‌ام و خیلی هم جالب بود، همین بود. نمی‌دانم به چه مناسبتی بود که حاج آقا این را فرمودند. خیلی جمله‌ی مهمی است. فرمودند: الآن که در این دنیا هستیم، به خیالمان می‌رسد که داریم روی زمین راه می‌رویم. فردا می‌بینیم روی آتش راه می‌رفتیم. خودتان فکر کنید. «صلی» عرض علی النار است.

> **«عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصِّرَاطِ فَقَالَ هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُمَا صِرَاطَانِ صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَصِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ وَأَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ**

> اَلْمُفْتَرَضُ اَلطّاعَةِ مَنْ عَرَفَهُ فِي اَلدُّنْيَا وَ اَقْتَدَى بِهُدَاهُ مَرَّ عَلَى اَلصِّرَاطِ اَلَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي اَلْآخِرَةِ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي اَلدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ اَلصِّرَاطِ فِي اَلْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ»[8].

صراط دنیا «هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي اَلْآخِرَةِ»، باید از روی آتش در شود، زیر پایش آتش است و باید در شود. بنابراین عرض علی النار می‌شوند و از روی آتش عبور شان می‌دهند. حالا هر کسی روی آتش یک جور است. «وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا، ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظَّ

فِيهَا جِثِيًّا»[9]. حرف حاج آقا یادم آمد. خلاصه عرض علی النار است. نمی‌دانیم واقعیتش به چه صورت است. ما داریم بحث لغوی می‌کنیم و این ظرافت‌کاری‌هایی که در لغت است. در جهنم انداختن با «تصلیة الجحیم» فرق می‌کند. «خُذُوهُ فَغُلُّوهُ، ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ، ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَ

ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ»[10]؛ این «صلّوه» یعنی او را بیاندازید؟! من اینجا عرض می‌کنم: خیر! «صلّوه» یک نحو عرض و عبور دادن است. «ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ»؛ ببینید چه شاهدی است؟! «ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ»؛ «اسلکوه» صرف بستن نیست. «فاسلکوه»؛ بکشیدش. چقدر این «سبعون ذراع با این هفتاد سال به غفلت گذراندن مناسب است. چقدر با این «تصلیه» مناسب است.

---

[1]. الهمزه، آیات ۱-۹.

[2]. الانفطار، آیه‌ی ۱۳.

[3]. همان، آیات ۱۴ و ۱۵.

[4]. البقره، آیه‌ی ۸۱.

[5]. العنکبوت، آیه‌ی ۵۴.

[6]. النساء، آیه‌ی ۱۴۵.

[7]. ق، آیه‌ی ۲۴.

[8]. شیخ صدوق، معاني الأخبار، ج ۱، ص ۳۲.

[9]. مریم، آیات ۷۱و ۷۲.

[10]. الحاقه، آیات ۳۰-۳۲.

بازبینی #2
ایجاد شده 7 مارس 2024 11:38:49 توسط ... .

ب‌ه روزرسان‌ی شد‌ه 7 مارس 2024 12:44:45 توسط ... .